مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اقتصاد اسلامی

سید مهدی معلّمی؛ دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکترای قرآن و علوم

چکیده

در سال گذشته مفهوم اقتصاد مقاومتی در واکنش به فشارهای اقتصادی و تحریمهای اقتصادی کشورمان، مطرح شد. . مقام معظم رهبری نیز ضرورت ایجاد «اقتصاد مقاومتی» در کشور را تأکید فرمودند. با توجه به اینکه حرکت عظیم ملت ایران در انقلاب اسلامی وارد مرحله دولت سازی شده است، ارائه چارچوبها و اصول اقتصاد مقاومتی بر اساس آموزه های دین مبین اسلام، ضروری می نماید.

از نظر مفهومی الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می کند به گونه ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکا بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفاء کند.

اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی عبارتند از اصل وجود روابط اقتصادی با خارج از کشور و التزام به قراردادها و پیمانها، اصل برخورد محتاطانه با غیر مسلمانان، اصل عزت مداری و نفی سبیل، اصل حمایت از مظلومین، اصل استقامت در راه آرمانهای الهی و اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق.

اصول اقتصاد مقاومتی همواره و در تمامی مراحل باید مورد لحاظ باشد و تعارض هریک از استراتژی ها، تاکتیکها و یا دیگر اجزاء برنامه با اصل، موجب حذف آن خواهد شد.

اگر در مقام اجراء اصول، خود آنها در تزاحم با یکدیگر باشند. وظیفه حکومت اسلامی در چنین مواردی اینست که با ملاحظه درجه اهمیت هر اصل، اهم را بر مهم ترجیح دهد.

در میان اصول اقتصاد مقاومتی اصل عزت مداری و نفی سبیل بر سایر اصول ترجیح دارد. پس از آن اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق و اصل حمایت از مظلومین به خاطر ماهیت عدالت محوری و عدالت گستری آنها، در رتبه های بعدی اولویت قرار دارند. اصول برخورد محتاطانه و استقامت در راه آرمانهای الهی در راستای تحقق اصول پیش گفته هستند.

مقدمه

در سال گذشته مفهوم اقتصاد مقاومتی در واکنش به فشارهای اقتصادی و تحریمهای اقتصادی کشورمان، مطرح شد. در سالهای اخیر دشمن نشان داده که هر چه را در توان دارد، برای مقابله با ملت ایران هزینه می‌کند و از هیچ کوششی علیه مردم کشورمان فروگذار نمی‌کند. مقام معظم رهبری با اشاره به این مطلب ضرورت ایجاد «اقتصاد مقاومتی» در کشور را تأکید فرمودند. پس از این فضایی که رهبری معزز و معظم انقلاب برای اندیشمندان و کارگزاران نظام باز کردند، شاهد نوشته ها و سخنان بسیاری در فضای فکری جامعه بودیم. متأسفانه برخی افراد به جای شناسایی الزامات و راهکارهای واقعی موفقیت در آن فضا و کمک به یکدیگر برای تبیین و عملیاتی کردن آن، تلاش کردند محتوایی وارداتی را در قالبی با نام مشابه آن ارائه کنند و مفهومی شبیه اقتصاد درونزا یا منزوی ارائه نمایند.

با توجه به اینکه حرکت عظیم ملت ایران در انقلاب اسلامی وارد مرحله دولت سازی شده است، ارائه چارچوبها و اصول اقتصاد مقاومتی بر اساس آموزه های دین مبین اسلام، ضروری می نماید. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به سه پرسش اساسی زیر است:

۱) مفهوم اقتصاد مقاومتی چیست و چه تفاوتی با مفاهیم خود کفائی و استقلال اقتصادی دارد؟

۲) اصول و چارچوبهای اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی کدامند؟

۳) در صورت تزاحم و تقابل این اصول با یکدیگر، نظام اسلامی با چه اولویتی عمل نماید؟

مفهوم اقتصاد مقاومتی در مقایسه با مفاهیم استقلال و خود کفائی

مفهوم اقتصاد مقاومتی در واکنش به فشارهای اقتصادی و تحریمهای اقتصادی کشورمان، مطرح شد. اگر چه بین این مفهوم و مفاهیم استقلال اقتصادی و خود کفائی مشترکاتی وجود دارد لیکن با دقت در شرائط اجتماعی و سیاسی دوره وضع این اصطلاح، مفهومی متفاوت از آن فهمیده می شود. توضیح اینکه مفاهیم استقلال اقتصادی و خود کفائی تنها ناظر به نیازمندیهای داخلی اقتصاد و راهبردهای و راهکارهای پاسخ به آنها است. مقصود از استقلال و خود کفایی این است که جامعه بتواند نیازمندیهای خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر به وارد کردن کالا از خارج نباشد. اگر چه مفهوم اقتصاد مقاومتی در شرائطی مطرح شده است که به خاطر تحریمهای اقتصادی مسئله کارآفرینی و تولید ملی و خود کفائی در آن پر رنگ شده است اما از سوی دیگر از سوی مقام معظم رهبری عنوان می شود که شرائط فعلی کشورمان، شرائط شعب ابی طالب نیست بلکه شرائط بدر و خیبر است. در سال دوم هجری پیامبر اکرم (ص) در مقابل غصب اموال

مسلمانان توسط مشرکین مکه، گروههای نظامی را بر اساس قواعد و قوانین خاصی اعزام کردند تا کاروانهای تجاری مشرکین مکه و به خصوص قریش را تهدید کنند. در این میان اموال هیچ کاروان تجاری مصادره نشد به جز یک مورد که به خاطر خود سری فرمانده مسلمین، مورد عتاب قرار گرفت. هدف اساسی از اعزام این دسته‌ها و عقد پیمان‌های نظامی با قبیله‌هایی که در مسیر تجارت مکیان می‌زیستند؛ آگاه ساختن قریش از قدرت نظامی و نیرومندی مسلمانان بود. خصوصا هنگامی که خود پیامبر در آن‌ها شرکت می‌کرد و با گروه انبوهی سر راه کاروان قریش توقف می‌نمود. رهبر عالی قدر اسلام می‌خواست به حکومت مکّه بفهماند که کلیه خطوط بازرگانی شما در اختیار ما است و ما هر موقع بخواهیم می‌توانیم جلو بازرگانی شما را بگیریم. در نتیجه قریش دریافت شاهراه بازرگانی آن‌ها در دست مسلمانان قرار گرفته است. اگر آنان در لجاجت خود باقی بمانند و از نشر و تبلیغ آیین اسلام جلوگیری کنند و مسلمانان محیط مکّه را اذیت کنند، شریان‌های حیاتی آنان قطع خواهد شد.خلاصه، هدف این بود که قریش بیدار شوند و با در نظر گرفتن این مراتب به مسلمانان آزادی تبلیغ بدهند و راه را برای زیارت خانه خدا و ترویج آیین یکتاپرستی باز کنند تا اسلام با منطق نیرومند خود در قلب‌ها نفوذ کند و در پرتو آزادی، نور اسلام در تمام نقاط شبه جزیره و مرکز عربستان جلوه‌گر شود. همین استراتژی سبب بروز جنگ بدر شد. (آیت الله جعفر سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۴۵۹)

نتیجه اینکه الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می کند به گونه ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکا بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفاء کرده و زمینه ساز هدایت بشر است.

اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی

منظور از اصل مفهومی است که بر خلاف تاکتیک و یا حتی استراتژی، امری گذرا نیست بلکه همواره و در تمامی مراحل باید مورد لحاظ باشد و تعارض هریک از استراتژی ها، تاکتیکها و یا دیگر اجزاء برنامه با اصل، موجب حذف آن خواهد شد. (سعید جلیلی، ص ۵۸)

اصل وجود روابط اقتصادی با خارج از کشور و التزام به قراردادها و پیمانها

در روابط اقتصادی با با سایر کشورها می توان از یک سو روابط مسلمانان را با یکدیگر، و از سوی دیگر روابط مسلمانان را با غیرمسلمانان ترسیم نمود.

برای ارتباط اقتصادی با کشورهای اسلامی، اسلام، اصل را بر برادری، هم‌گرایی و وحدت نهاده و منشور برادری را با این آیه شریفه اعلام نموده است:

إِنّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتّقُوا اللّهَ لَعَلّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰)

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس بین دو برادر خود صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت شوید(حجرات:۱۰).

بر این اساس وظیفه حکومت اسلامی تلاش در جهت برقراری روابط و مناسبات برادرانه با سایر کشورهای اسلامی است.

در زمینه روابط با کشورهای غیراسلامی، در آموزه های اسلامی بستن قرارداد و برقراری روابط اقتصادی با کشورها خارجی غیر مسلمان و البته غیر محارب، با مراعات اصول و چارچوبهای شرعی مباح و مجاز است. این اصل در آیات متعددی از قرآن کریم مشاهده می شود.

لا يَنْهاكُمُ اللّهُ عَنِ الّذينَ لَمْ يُقاتِلُوكُمْ فِي الدّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ أَنْ تَبَرّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنّ اللّهَ يُحِبّ الْمُقْسِطينَ إِنّما يَنْهاكُمُ اللّهُ عَنِ الّذينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ وَ ظاهَرُوا عَلى إِخْراجِكُمْ أَنْ تَوَلّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلّهُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظّالِمُونَ (ممتحنه: ۸و۹)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون‌راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است (ممتحنه: ۸و۹)

مطابق این آیات کریمه، ایجاد رابطه با غیرمسلمانان را مجاز شمرده می شود؛ مگر آنان که از در جنگ با مسلمین درآیند و قصد دین و ایمان آنان را کنند. اسلام پافشاری در ستیزه جویی را شایسته جامعه اسلامی نمی‌داند، و در جای جای قرآن تأکید می‌کند که در صورت مشاهده علائم صلح‌گرایی دشمن متخاصم، مسلمین نیز از در صلح در آیند و به مخاصمه پایان دهند. قرآن تصریح می‌کند:

وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَكّلْ عَلَى اللّهِ إِنّهُ هُوَ السّميعُ الْعَليمُ (انفال:۶۱).

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی، و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست(انفال:۶۱).

در سیره پیامبر اکرم (ص) نیز مشاهده می شود که یکی از اصولی که مبنای رفتار پیامبر (ص) محسوب می شود، اصل التزام به پیمان ها واحترام به قرار داد ها حتی با مشرکین است. این اصل یکی از مهمترین اصول در روابط اقتصادی با خارج از کشور و یک سیا ست راهبردی وبلند مدت در روابط اقتصادی خارجی اسلام محسوب می شود .

پیامبر اعظم (ص)در سیره ورفتار خویش به این اصل توجه جدی داشت واهمیت فوق العاده قائل بود . افزون برآن که از پیامبر گرامی (ص) در این رابطه احادیث متواتری نقل شده است که حضرت، مسلمانان را از لزوم پایبندی به پیمان هاوقراردادها آگاه می سازد (سید محمد موسوی، ص ۶۶)، سیره عملی پیامبر (ص) نیز به خوبی این مطلب را تأ یید می نماید که یکی از برجسته ترین آن را می توان در جریان هجرت به مدینه مشاهده نمود. ایشان قبل از هجرت به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) وصیت نمودند که امانتهای اهل مکه را بدانها بازگرداند. امام علی (ع) نیز پس از مهاجرت رسول گرامی صلی الله علیه و آله، در نقطه بلندی از مکه ایستاد و گفت: هر کس پیش محمد امانت و سپرده‌ای دارد، بیاید از ما بگیرد. کسانی که پیش پیامبر امانت داشتند با دادن نشانه و علامت، امانت‌های خود را پس گرفتند.(آیت الله جعفر سبحانی، نرم افزار مسافر قبله، ص ۲۰۴)

اصل برخورد محتاطانه با غیر مسلمانان

بر اساس آموزه های اسلامی مسلمانان در مواجهه با غیر مسلمانان، همواره باید بدانند که با اعضای یک پیکره بیگانه مواجه اند و معنای اینکه نباید ولاء غیر مسلمان را داشته باشند این است که مسلمان نباید عملاً عضور پیکر جامعه غیر مسلمان قرار گیرد. همه اینها ایجاب میکند که روابط مسلمان با غیر مسلمان محتاطانه باشد.(شهید مرتضی مطهری، ص ۱۴۲)

قرآن کریم هشدار می‌دهد که مسلمانان نباید فریب ظاهر آنان و تظاهرشان به دوستی را خورده و دست مودت به سوی شان دراز کنند، و مسلمانان را از طرح اسرار با آنان به شدت بر حذر داشته، درون کینه‌توز دشمنان اسلام را برای مسلمانان بازگو کرده است و بر خیرخواه نبودن آنان تأکید می‌کند.

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِنْ دُونِکُمْ لا یَأْلُونَکُمْ خَبالاً وَدُّوا ما عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضاءُ مِنْ أَفْواهِهِمْ وَ ما تُخْفی صُدُورُهُمْ أَکْبَرُ قَدْ بَیَّنّا لَکُمُ الْآیاتِ إِنْ کُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ها أَنْتُمْ أُولاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَ لا

يُحِبُّونَكُمْ وَ تُؤْمِنُونَ بِالْكِتابِ كُلِّهِ وَ إِذا لَقُوكُمْ قالُوا آمَنّا وَ إِذا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنّ اللّهَ عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِها وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنّ اللّهَ بِما يَعْمَلُونَ مُحيطٌ (آل عمران: ۱۱۸- ۱۲۰)

هان! ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان دوست همراز مگیرید که در حق شما از هیچ تباهی کوتاهی نمی‌کنند، به رنج افتادن شما را آرزو می‌کنند. دشمنی از [سخنان] دهانشان آشکار شده است و آن چه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد، بزرگتر است. به راستی اگر اندیشه کنید ما آیات خود را بر شما بیان کردیم. آگاه باشید که شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست دارید ولی آن‌ها شما را دوست ندارند و شما به همه‌ی کتاب‌های آسمانی ایمان دارید و هرگاه با شما رو برو شوند، گویند: «ایمان آورده‌ایم» و زمانی که تنها شوند از خشم شما سر انگشتان خویش را با دندان می‌گزند. بگو:اگر خیری به شما برسد ایشان را غمگین می‌کند و اگر شرّی به شما برسد به آن شاد می‌شوند و اگر صبر پیشه کنید و پارسایی ورزید، نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند. قطعا خداوند به آن چه انجام می‌دهند احاطه دارد(آل عمران: ۱۱۸- ۱۲۰)

در این آیات به وضوح ارتباط نهانی با کفار حربی، و مشرکان جنگ افروز، نهی شده و خوش باوری مسلمین نقطه آسیب‌پذیری آنان اعلام شده است.

خداوند متعال بر تحلیل آن گروه از مسلمانان که عزت، اقتدار و سربلندی خود (تأمین منافع ملی و حل مشکلات خود) را از راه پیوند پررنگ‌تر با کافران جست وجو می‌کنند، خط بطلان کشیده، و تمامی عزت و اقتدار مسلمین را در گروه پیوند با خدا می‌داند، خداوند متعال می‌فرماید:

الّذينَ يَتّخِذُونَ الْكافِرينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنينَ أَ يَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزّةَ فَإِنّ الْعِزّةَ لِلّهِ جَميعاً (نساء:۱۳۹).

همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند، آیا عزت و آبرو را نزد آنان می‌جویند با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟(نساء:۱۳۹).

اصل عزت مداری و نفی سبیل

یکی از مهمترین اصول اقتصاد مقاومتی اصل نفی سبیل وعزت مداری است.

این اصل بر گرفته از آن ایه قرآن مجید است که می فرماید :

« ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا .» (نساء:۱۴۱)

هرگزخداوند راه تسلط براهل ایمان راباز نگذاشته است.

سبیل در لغت به معنای « راه »وطریق است امادر اصطلاح به معنای شریعت وقانون می باشد .منظور از سبیل در این جا همان معنای اصطلاحی است(سید محمد موسوی بجنوردی، ص ۳۵۰). واژه ی«نفی» نیز دراین جا به معنای بسته شدن می باشد.سبیل نکره در سیاق نفی است ونکره در سیاق نفی مفید عموم است؛بنا براین معنای نفی سبیل کافران بر مسلمانان ،این است که خداوند در قوانین وشریعت اسلام هیچ گونه راه نفوذ وتسلط کفار بر مسلمانان را باز نگذاشته است وهر گونه راه تسلط بر مسلمانان را بر آن ها بسته است ؛به این تر تیب کافران در هیچ زمینه ای شرعاً نمی توانند بر مسلمانان مسلط شوند.(ابوالفضل شکوری، ص ۳۲۶)

نفی سبیل از قواعد ثانویه فقهی است چنان که می دانیم درفقه اسلامی دونوع قواعد وجود دارد : قواعد اولیه وقواعد ثانویه.قواعد ثانویه همان قواعد حاکم فقهی هستند و بر دیگرمسائل وقواعد فقهی حکومت دارند. (سید محمد موسوی بجنوردی، ص ۳۵۰)

براساس این اصل وقاعده ، راه هرگونه نفوذو سلطه ی کفار برجوامع اسلامی در حوزه های مختلف سیاسی ، نظامی ، اقتصادی وفرهنگی باید مسدود گردد. عدم وابستگی اقتصادی وجلو گیری از نفوذ فرهنگی ومنع استشاره ومشورت در حوزه های فرهنگی ونظامی در روابط خارجی مورد توجه است .بنا براین اصل نفی سبیل، بیانگر جنبه ی ایجابی و سلبی است که جنبه ی سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان برمقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ی ایجابی آن بیانگر وظیفه ی دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی وازمیان برداشتن زمینه های وابستگی است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در تما م عرصه های زندگی اجتماعی خویش به ویژه در روابط خارجی به این اصل مهم واساسی توجه جدی می نمود وآن را به عنوان یک مبنا وپایه در روابط خارجی در نظر می گرفت.

سیره ی عملی وقولی پیامبر اکرم (ص) بارز ترین گواه براین مدعاست . از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه.(شیخ طوسی، ج۲ ص۴۶)

اسلا م همیشه بر دیگر مکاتب وملل برتری دارد وهیچ چیزی بر اسلام برتری ندارد .

از این حدیث به خوبی برمی اید که آن حضرت هیچگاه راضی به سلطه ی کفار برمسلمانان نبودوتسلط غیرمسلمان را برمسلمان در هیچ عرصه ی نمی پذیرفت.

دراندیشه اقتصاد اسلامی یکی از مهمترین عوامل تحقق عزت برای مسلمین استغناء و تأمین نیازهای اساسی آنان معرفی شده است امام صادق (ع)در حدیثی عزت مؤمن را در بی نیازی اواز سایر مردم معرفی می نماید.

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ(ثقة الاسلام کلینی، ج۲ ص ۱۴۹)

شرافت مومن در گرو نماز شب و عزت او در گرو بی نیازی از مردم است.

بر اساس آموزه های اسلامی افراد باید تلاش کنند که بی نیاز از دیگران شوند و دولت اسلامی نیز در جهت تأمین نیاز های اساسی آنها اقدام کند. هرگونه فعالیت اقتصادی باید به دور از هر گونه احساس ذلتی باشد ولذا امیر ا لمؤمنین در نامه به مالک اشتر او را از منت گذاردن بر سر رعیت بر حذر می دارند، زیرا عزت مسلمین خدشه دار می شود.

و ایّاک و المنّ علی رعیّتک بإحسانک (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

تو را برحذر می دارم از اینکه بر مردم به خاطرت احسانت منت گذاری

سیره امامان معصوم در صدقه دادن پنهانی بهترین گواه بر این مدعا است(محمد رضا حکیمی، ج۲، ص: ۷۶۲). بی شک این رفتار اقتصادی که از سویی احسان و کمک به دیگران است و از سوی دیگر عزت نیازمند را خدشه دار نمی کند، یکی از مصادیق بارز زیبایی های معنوی است.

در بعد کلان نیز باید کشور استقلال اقتصادی داشته باشد تا همواره عزت اقتصادی اش حفظ شود. در صورت وابستگی گستردهٔ اقتصاد یک کشور به دیگر کشورها، عملاً یک بردگی و اسارت در اقتصاد کشور وابسته بوجود می آید. در حالیکه کشور اسلام همواره باید برتر از سایر کشورها باشد و در هیچ عرصه ای نباید طعم تلخ ذلت وحقارت را بچشد.

در روایات اسلامی از قناعت به عنوان وسیله عزت[۱] و بی‌نیازی [۲]و گنج فناناپذیر[۳] یاد شده است و در نقطه مقابل، اسراف و تبذیر و مصرف‌گرایی، وسیله شکست[۴] و ذلت معرفی شده است.

---

[۱] الامام علي «ع»: «القناعة عزّ» آمدي تميمي، عبدالواحد،غرر الحكم و درر الكلم،۱۳٦٦،ص ٦٨٩

امام خمینی رحمه‌الله منادی عزت و استقلال، گاه از برخی کشورها یاد می‌کرد که این روحیه قناعت و صرفه‌جویی، آنان را واداشته تا حداکثر استفاده را از امکانات موجود خود بنمایند و بسیاری از مردم جهان را نیازمند مصنوعات خود سازند(امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج۱۴، ص۱۷). امام راحل با حساسیت نسبت به موضوع می‌فرمود: «مردم در سر دو راهی عزت و ذلت قرار داشته و باید تصمیم بگیرند: یا رفاه و مصرف‌گرایی یا تحمل سختی و استقلال». (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج۱۷،ص ۹۸)

از همین روست که امام کاظم (ع) می فرمایند:

فمن عقل قنع بما یکفیه. و من قنع بما یکفیه استغنی. و من لم یقنع بما یکفیه لم یدرک الغنی أبدا(بحرانی، ۲۸۶)

«... هر کس عاقل باشد به آنچه او را بسنده است قناعت می‌کند. و هر کس به آنچه او را بسنده است قناعت کند بی‌نیاز است. و هر کس چنین نباشد، هرگز به بی‌نیازی دست نیابد.» و اینگونه آرمان اختصاص عزت به مؤمنان تحقق می یابد. بی تردید حقارت وابستگی،یک پدیده زشت معنوی است که هر فطرت سلیمی از آن متنفر است

بر همین اساس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است، هر گونه قراردادی را که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع اعلام می‌کند.(اصل ۱۵۳) هم‌چنین در فصل چهارم قانون اساسی که مربوط به اقتصاد و امور مالی است، یکی از ضوابط جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور بیان شده است.(اصل ۱۴۳ف بند۸) به طور کلی، یکی از اصولی که توجه به آ در روابط خارجی دولت اسلامی ضرورت دارد، حفظ استقلال و عزت مسلمانان در روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است.

اصل حمایت از مظلومین

حمایت از مظلومین عالم، از جمله اصول اساسی اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی است.

---

[۲] الإمام علي «ع»: الغنيّ من استغنى بالقناعة. آمدي تميمي، عبدالواحد،غرر الحكم و درر الكلم،۱۳٦٦،ص ۲۸

[۳] الإمام علي «ع»: لا كنز أغنى من القناعة. « نهج البلاغه»/ ۱۲٦۰؛« عبده» ۳/ ۲٤۲.

[٤] وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ « سوره انبيا»(۲۱): ۹.

از نظر نصوص دینی نیز در کتاب و سنت، دلیل های محکمی وجود دارد که «نصرت مظلوم»، یک تکلیف الزامی است و نباید آن را در حد یک توصیه ی اخلاقی، تلقی کرد، قرآن کریم حتی جنگیدن و کشته دادن برای نجات مظلومان ـکه فریاد استغاثه دارندـ را واجب می‌داند و بر ترک این وظیفه، توبیخ می کند:

وَ ما لَكُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصیراً (نساء: ۷۵)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما! (نساء:۷۵)

همچنین قرآن تأکید می کند:

«و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل.» (شوری:۴۱)

: کسی که پس از ستم دیدن، کمک می خواهد، نباید او را از این کار بازداشت.

از پیامبر اکرم(ص) نیز «روایت معتبری» در منابع حدیثی وجود دارد که «بی اعتنائی» به فریاد استغاثه دیگری را با «مسلمان بودن» ناسازگار می داند. امام صادق (ع) از رسول خدا نقل می کند که فرمود:

«من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» (ثقة الاسلام کلینی، ج۲ ص ۱۶۴)

هر کس ندای استغاثه و طلب دیگری را بشنود و به او پاسخ ندهد، مسلمان نیست.

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

فإن الله سمیع دعوه المضطهدین وَ هُوَ لِلظَّالِمِینَ بِالْمِرْصَادِ(نهج البلاغه: نامه ۵۳)

خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است

رویکردی که حکومت اسلامی به وضعیت اقتصادی سایر کشورها دارد با الهام از این جمله امیرالمومنین(ع) شکل می‌گیرد. بر مبنای همین تفکر، مظلوم و ستمدیده را محبوب مسلمانان است و ایشان به استمدادش می‌شتابد و بر ستمکار می‌تازد.

نگاهی گذرا به فرازهای مختلف نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که یاری مظلوم یکی از اصول موکد ایشان و یکی از مهمترین دغدغه‌های امیرالمومنین(ع) بوده است. ایشان در آخرین فرمایشات زندگی خویش به حسنین(ع) وصیت می‌کنند:

کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا(نهج البلاغه خطبه ۴۷)

دشمن ستمگر و یاور مظلوم باشید

از همین روست که در جای دیگری می‌فرمایند: «ذلیل‌ترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بازگردانم و نیرومند در نزد من پست و ناتوان است تا حق را از او بازستانم»(همان: خطبه۶۷)

در فرازی دیگر امیرالمومنین(ع) صریحاً شیعیان را به حمایت از مظلوم توصیه کرده و در تکمیل دو فراز قبلی می‌فرمایند: «حق را بگویید و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید»(همان: نامه۶۷). با توجه به فرمایش حضرت امیر(ع) از آنجایی که خداوند متعال که قدرت مطلق است شنونده صدای مظلوم است و در کمین ستمکار است، پیروزی نهایی با مظلومان و مستضعفان خواهد بود و برای ظالمان جز خسران و شکست باقی نمی ماند[۵] به قول امام خمینی (ره): «اگر تاریخ ظلمه و ستمدیدگان دنیا را مطالعه کنید می بینید که غلبه همیشه با مظلوم است»(صحیفه امام ج۲ ص۴۱۳).

مبنای اندیشه متعالی امام راحل (ره) و اعتقاد ما در خصوص کمک به کشورهای مظلوم همچون فلسطین، عراق، افغانستان و ... بر همین مبناست. برای مسلمان همین چند فراز کافی است تا یاری مظلوم را بر خود فرض بداند و یکی از مطالبات خود از نظام‌های اسلامی را بر همین اساس تعریف کند.

جمهوری اسلامی ایران که نمونه‌ای از دولت اسلامی به شمار می‌رود، براساس احترام متقابل با تمام کشورهای جهان رابطه دارد. به همین دلیل، به دنبال سلطه یافتن بر دیگر سایر دولت‌ها نیست و سلطه‌گری و زورگویی را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرد.(علی دادستان بیرکی، ص۱۹ ـ ۲۲) امام خمینی(ره) این اصل را در روابط خارجی دولت اسلامی چنین تبیین فرموده است: تمام کشورها اگر احترام ما را حفظ کنند، ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد و اگر دولت‌ها و کشورها بخواهند به ما تحمیلی بکنند، از آن‌ها قبول نخواهیم کرد .نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم.(امام خمینی، ۱۳۷۸،ج۴، ص۳۳۸)

---

[۵] وَلا یَزِیدُ الظالِمِینَ إلا خَساراً(اسراء: ۸٤)

در فصل سیاست خارجی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال که پی‌آمد نفی سلطه‌پذیری است، از اصول سیاست خارجی شمرده شده است.(اصل ۱۵۲)

اصل استقامت در راه آرمانهای الهی

یکی دیگر از اصول اقتصاد مقاومتی اصل استقامت و تحمل سختیهای اقتصادی در راه آرمانهای الهی است. خداوند متعال در قرآن کریم بارها و بارها مومنین را به استقامت در مقابل کافران و دشمنان اسلام فراخوانده و پشتیبانی و برکت خود را متوقف بر این استقامت دانسته است.

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ(هود/۱۱۲)

پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند

و در جای دیگر می فرماید:

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ(توبة/۱۱۷)

مسلما خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حق منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است!

صفحات تاریخ بشریت، گواهی می‌دهد که نیرومندترین عامل برای استقامت و پایداری اقلیت‌ها در برابر اراده اکثریت؛ همان نیروی ایمان و اعتقاد است که گاهی با ریختن آخرین قطره خون، نقش پایداری را ایفا می‌کنند. ما برای این گفتار، صدها گواه و شاهد در اختیار داریم. اوج این استقامت را می توان در محاصره اقتصادی مسلمانان در سالهای قبل از هجرت در شعب ابی طالب دید. هنگامی که سران قریش، از نفوذ پیشرفت حیرت‌انگیز آیین یکتاپرستی، سخت ناراحت بودند و در فکر چاره و راه حلی بودند. به این نتیجه رسیدند که به وسیله «محاصره اقتصادی»، که نتیجه آن بریدن رگ‌های حیاتی مسلمانان بود، از نفوذ و پخش اسلام بکاهند؛ و پایه‌گذار و هواداران آیین خداپرستی را در میان این حصار، خفه سازند.

این محاصره سه سال تمام طول کشید، فشار و سختگیری به حد عجیبی رسید. ناله جگرخراش فرزندان «بنی هاشم» به گوش سنگ‌دلان «مکه» می‌رسید؛ ولی در دل مشرکین مکه چندان تأثیر نمی‌کرد. جوانان و مردان، با خوردن یک دانه خرما در شبانه‌روز زندگی می‌کردند. گاهی یک دانه خرما را دو نیم می‌کردند. در تمام این سه سال، فقط در ماه‌های حرام (که امنیت کامل در سرتاسر شبه جزیره حکم‌فرما بود) بنی هاشم از شعب بیرون آمده و به دادوستد مختصری اشتغال می‌ورزیدند سپس به داخل دره رهسپار می‌شدند. پیامبر گرامی نیز، فقط در همین ماه‌ها توفیق نشر و پخش آیین خود را داشت. ایادی و عمال سران قریش، در همین ماه‌ها وسیله آزار و فشار اقتصادی آن‌ها را به گونه‌ای فراهم می‌آوردند. زیرا غالباً بر سر بساطها و فروشگاه‌ها حاضر می‌شدند، و هر موقع مسلمان‌ها می‌خواستند که چیزی را بخرند، فوراً به قیمت گران‌تری آن را می‌خریدند و از این راه قدرت خرید را از مسلمانان سلب می‌نمودند.

فشار گرسنگی به حدی رسیده بود که «سعد وقاص» می‌گوید: شبی از میان دره بیرون آمدم، در حالی که نزدیک بود تمام قوا را از دست بدهم. ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم، آن را برداشتم و شستم و سوزاندم، و کوبیدم، و بعد با آب مختصری خمیری کرده و از این طریق سه روز بسر بردم. (آیت الله جعف سبحانی، نرم افزار مسافر قبله، ۱۴۹-۱۵۵)

بی تردید این رشادتها و استقامتها بر اثر نیروی ایمان بود و سر انجام سبب جاودانگی ایشان با عزت در طول تاریخ شد.

اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق

یک دیگر از اصول اقتصاد مقاومتی اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق است. در سیره پیامبر اکرم(ص) مشاهده می شود برای استیفاء حقوق مسلمانان، از ابزارمقابله به مثل در برابر مشرکین استفاده می کردند. در سال دوم هجرت کاروان تجاری بزرگی است که تمام اهل مکه در آن شرکت دارند به سمت شام حرکت می کرد. سرپرست کاروان «ابو سفیان»، و در حدود چهل نفر پاسبانی آن را بر عهده دارند.هزار شتر، مال التجاره را حمل می‌کند، و ارزش کالا حدود پنجاه هزار دینار است.

قریش کلیه دارائی مهاجران را در مکه ضبط کرده و به آنان اجازه رفت و آمد به محل زندگی نمی‌دادند و کلیه اموال منقول و غیر منقول آنان، در مکه متروک مانده بود. پیداست که هر انسان عاقل و خردمندی به خود اجازه می‌دهد با دشمن، همان معامله را انجام دهد که او با وی انجام داده است.

اصولًا باید توجه داشت که علت هجوم مسلمانان به کاروان قریش، همان مظلومیت و ستم‌کشی مسلمانان بود که قرآن نیز متذکر آن است و به همین جهت به آنان اجازه هجوم می‌دهد و می‌فرماید:

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ (حج: ۳۹)

«به افرادی که مورد هجوم واقع شده‌اند اجازه دفاع داده شد. زیرا آنان مظلوم و ستمدیده‌اند و خداوند به کمک و یاری آنان قادر و توانا است.

اگر چه ابوسفیان با کاروان تجاری گریخت و مسلمانان هیچگاه اموال آن کاروان را مصادره نکردند ولی همین قضیه زمینه پیروزی مسلمانان در جنگ بدر شد.(همان، ص ۲۲۲)

ترتیب اولویت اصول اقتصاد مقاومتی در صورت تزاحم و تقابل

در ذکر این نکته ضروری است که در مقام اجراء اصول، ممکن است خود آنها در تزاحم با یکدیگر باشند. وظیفه حکومت اسلامی در چنین مواردی اینست که با ملاحظه درجه اهمیت هر اصل، اهم را بر مهم ترجیح دهد. زیرا برخی اصول بر اصول دیگر حکومت دارند.

اصول برخورد محتاطانه و اصل استقامت در راستای اصل عزت مداری و نفی سبیل اند. در میان سایر اصول وجود ابطه اقتصادی و اصل عزت مداری و نفی سبیل و اصل حمایت از مظلومین و اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق، اصل عزت مداری و نفی سبیل بر سایر اصول حکومت دارد یعنی هز چیزی که سبب علو و استیلای کافر بر مسلمان شود منفی است و لذا اصل نفی سبیل بر ادله اولیه، حکومت واقعی دارد. بدین معنا که اگر اصول دیگر مثل اصل برقراری ارتباط یا اصل حمایت از مظلوم و حتی اصل مقابله مثل موجب استیلاء کافر بر مسلمین شود به دلیل نفی سبیل، موضوع آن اصل از اعتبار ساقط می شود. (سعید جلیلی، ص۵۸)

حضرت امام(ره) در مورد نفی سلطه سیاسی کافران فرموده اند: « بنابراین، اگر روابط سیاسی با دیگر دولت‌ها سبب سلطه آن‌ها یا وابستگی سیاسی دولت اسلامی شود، برقراری چنین روابطی حرام است و حتی اگر معاهده‌ای منعقد شده باشد، باطل است. البته بطلان به خاطر خیانتی است که برخی سران دولت‌ها می‌کنند وگرنه اگر عقدی به صورت صحیح منعقد شده باشد، نمی‌توان حکم به بطلان آن داد» (امام خمینی(ره)، بی تا، ج۱ ص۴۸۶)

حضرت امام خمینی(ره) درباره روابط اقتصادی دولت اسلامی آورده است: «اگر در برقراری رابطه تجاری

دولت اسلامی یا تجار، با بعضی از دولت‌ها یا تجار، بازار مسلمین و حیات اقتصادی آنها مورد تهدید باشد، ترک این روابط، واجب است و این تجارت، حرام است و بر رهبران دینی است که کالاهای آنها و تجارت با آن‌ها را تحریم نمایند و بر امت اسلامی نیز تبعیت از علما واجب است» (همان، ص۴۸۷) ایشان در این حکم، براساس قاعده نفی سبیل، روابط تجاری را که مایه سلطه بیگانگان بر حیات اقتصادی مسلمانان شود، حرام می‌داند. از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) هر نوع رابطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی اگر موجب سلطه اجانب بر مسلمانان و کشورهای اسلامی شود، به دلیل این‌که استعمار را نیز درپی خواهد داشت، حرام است و باید از آن پرهیز کرد.(همان، ص۴۸۶)

در تاریخ نیز نمونه‌هایی از استناد به اصل نفی سلطه کافران بر مسلمانان وجود دارد. یکی از آن موارد واقعه تاریخی تحریم تنباکو از سوی مرجع بزرگ شیعیان میرزای شیرازی. براساس قرارداد رژی، تجارت تنباکو ک در ایران قابل توجه بود، به انحصار این شرکت انگلیسی درمی‌آمد و علاوه بر سلطه اقتصادی انگلیس به مدت پنجاه سال، زمینه به سلطه سیاسی انگلیس نیز بر ایران فراهم می‌شد. با صدور حکم تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی و پیروی مردم از این مرجع، شاه قاجار مجبور شد این امتیاز را لغو کند.(سیدجلال‌الدین مدنی، بی‌تا، ج۱، ص۶۴ ـ ۷۶)

در مورد ترتیب اولویت سایر اصول نیز، با توجه به اینکه اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق و اصل حمایت از مظلومین، در راستای هدف عالی نظام اقتصادی اسلام یعنی عدالت محوری و عدالت گستری است، می توان گفت این دو اصل بر اصل وجود روابط اقتصادی مقدم است.

جمع بندی و نتیجه گیری

بر اساس مطالب پیش گفته :

۱- الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می کند به گونه ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکا بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفاء کند.

۲- اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اسلامی عبارتند از اصل وجود روابط اقتصادی با خارج از کشور و التزام به قراردادها و پیمانها، اصل برخورد محتاطانه با غیر مسلمانان، اصل عزت مداری و

نفی سبیل، اصل حمایت از مظلومین، اصل استقامت در راه آرمانهای الهی و اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق

۳- اصول اقتصاد مقاومتی همواره و در تمامی مراحل باید مورد لحاظ باشد و تعارض هریک از استراتژی ها، تاکتیکها و یا دیگر اجزاء برنامه با اصل، موجب حذف آن خواهد شد

٤- اگر در مقام اجراء اصول، خود آنها در تزاحم با یکدیگر باشند. وظیفه حکومت اسلامی در چنین مواردی اینست که با ملاحظه درجه اهمیت هر اصل، اهم را بر مهم ترجیح دهد.

٥- در میان اصول اقتصاد مقاومتی اصل عزت مداری و نفی سبیل بر سایر اصول ترجیح دارد. پس از آن اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق و اصل حمایت از مظلومین به خاطر ماهیت عدالت محوری و عدالت گستری آنها، در رتبه های بعدی اولویت قرار دارند. اصول برخورد محتاطانه و استقامت در راه آرمانهای الهی در راستای تحقق اصول پیش گفته هستند.

کتابنامه

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه

۳- امام خمینی(ره)، تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا

٤- امام خمینی(ره)، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا

٥- امام خمینی(ره)، صحیفه امام، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۸

٦- بحرانی، حسن بن علی بن شعبة، تحف العقول، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۴ق

۷- تمیمی آمدی،عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،بی تا، ۱۳۶۶

۸- جلیلی، سعید، سیاست خارجی پیامبر (ص)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامیف ۱۳۷۴

۹- حکیمی،محمد رضا، الحیاة با ترجمه احمد آرام،۱۳۸۰

۱۰- دادستان بیرکی، علی، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۸۱

۱۱- سبحانی، آیت الله جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، نرم افزار مسافر قبله

۱۲- سبحانی، آیت الله جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵

۱۳- شکوری ،ابو الفضل، فقه سیاسی اسلام، ویرایش دوم ،مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی تا

۱٤- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ، ۱۳۸۷ هق

۱٥- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی(ط- الإسلامیة)، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق

۱٦- مدنی، سیدجلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، انتشارات دفتر اسلامی. بی‌تا

۱۷- مطهری، شهید مرتضی ، ولاء ها و ولایتها، قم، صدرا، ۱۳۶۳

۱۸- موسوی، سید محمد، دیپلماسی ورفتار سیاسی در اسلام ،تهران،مرکز باز شناسی اسلام وایران ، ۱۳۸۴

۱۹- موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، قواعد فقهیه، تهران، مؤسسه عروج،۱۴۰۱ ق